

قطب سرخ ها در مقابل قطب سبز و شیر و خورشیدی ، مروری بر یک تجربه در خارج کشور

سیاوش دانشور

August 15, 2009

سیاوش دانشور : اوضاع سیاسی ایران بسرعت چهارچوبهای رایج فعالیت در خارج کشور را تحت تاثیر قرار داد و ضرورت برپائی صف بندیهای جدیدی را تاکید کرد. تلاش برای ایجاد ائتلافها و اتحادها در خارج کشور جدید نیست و در میان طیفهای مختلف در اپوزیسیون ایران وسیعا وجود داشته است. نکته ای که شاید همه روی آن کمابیش توافق دارند این است که تجارب تاکنونی به نتیجه دلخواه و اهداف اعلام شده آن نرسیده است و بناگیز بعد از مدتی در متن تناقضات آن فروپاشیده است . اما تغییر شرایط سیاسی در ایران و به میدان آمدن میلیونی مردم ، که دنیا و افکار عمومی را در ابعاد وسیعی متوجه ایران و سرنوشت سیاسی آن کرده است ، به موضوع ایجاد صفبندیهای جدید اهمیت اساسی تری داده است .

در دوره اخیر بار دیگر جنبش ملی اسلامی و جریانات متفرقه آن پشت مضحکه انتخابات رژیم بخت شدند . دولتها و رسانه ها و انواع نهادهای نیمه دولتی و حقوق بشری پشت همین جریان رفتند . هدف اینبود و هست که "جنبش سبز" با تمام متعلقات سیاسی و فکریش بعنوان پرچمدار تحولات در ایران معرفی شود . هدف اینست که اعتراض مردم در ایران علیه حکومت اسلامی در چهارچوب جمهوری اسلامی و جناحی از آن قالب زده شود . جناح دیگر اپوزیسیون راست یعنی ناسیونالیسم پروغربی به شمول سلطنت طلبان، که در این روند گنج میزدند و خط روشنی نداشتند، گاهی در کنار سرنگونی طلبان و گاهی در کنار سبزها به جست و خیز مشغول بودند. پلاتفرم این جریان برافراشتن پرچم سه رنگ ، تاکید بر تمامیت ارضی ، و سرود فاشیستی ای ایران بود . این جریان بتدریج جای خود را پیدا کرد و امروز عمدتا در ائتلافی با سبز در خارج کشور فعالیت میکند. گرایشهای ناسیونالیستی و قوم پرست در اپوزیسیون نیز کمابیش در همین صف قرار دارند . جهتگیریها و سیاستهای بنیادی سبزها اساس سیاست و تحلیل شان از روند اوضاع در ایران است و قبل از نمایش انتخابات رژیم به استقبال کروی و موسوی رفته بودند .

در مقابل این دو طیف، که گاه در مقابل هم و عمدتا در کنار هم ظاهر شدند ، طیف دیگر اپوزیسیون سرنگونی طلب و اردوی چپ قرار دارد. سابقه این طیف در مخالفت و مقابله با جمهوری اسلامی و حضورش در خارج کشور ، و گسترش فعالیت آن بویژه از دوره دو خرداد به بعد، یک شاخص سیاسی و یک تفاوت در اردوهای اپوزیسیون ایران است . اساس هدف جریانات سرنگونی طلب و کمونیست و سوسیالیست ممانعت از حضور علنی جمهوری اسلامی و نمایندگانش در خارج کشور ، برچیدن سفارتخانه ها و مراکز شبه فرهنگی جمهوری اسلامی ، و بیرون راندنش از خارج کشور بود. طیف سرنگونی طلب و اساسا چپها و سوسیالیستها نیز در این سالها کمابیش در مقابل جمهوری اسلامی متحد ظاهر شدند .

سابقه موضوع در دوره اخیر

بعد از دوره ای رخوت در اپوزیسیون و کاهش فعالیتهای آن بویژه علیه جمهوری اسلامی ، در ماههای قبل از مضحکه انتخابات رژیم تلاش کرد فضا را در خارج کشور عوض کند . جمهوری اسلامی از سوئد شروع کرد که تاریخا در آن بازنده بوده و بویژه هیچوقت نتوانسته است در استکهلم بصورت علنی کاری را پیش ببرد . اعزام "هیئت های کنسولی" سفارت جمهوری اسلامی به گوتنبرگ و بعد مالمو سوئد و تورنتوی کانادا از اولین اقدامات جمهوری اسلامی بود. این اقدامات بطور مفتضحانه ای شکست خوردند . قرار بود این اقدامات تنور مضحکه انتخابات در خارج کشور را گرم کند . روز نمایش انتخابات نیز همین سرنوشت را پیدا کرد . این فعالیتها قبل از نمایش انتخابات در استکهلم توسط ستادی موقت و متشکل از نیروهای سرنگونی طلب پیش رفت . بدنبال افتضاح انتصابات رژیم و رویدادهای متعاقب آن که مردم بدرستی از فرصت بدست آمده استفاده کردند ، این نهاد موقت تلاش کرد که شکل پایدارتری بخود بدهد و نام خود را "ستاد حمایت از مبارزات مردم ایران" گذاشت. این ستاد دربرگیرنده احزاب و سازمانهای سیاسی چپ و کمونیست، نهادهای زنان ، و فعالین مستقل چپ و کمونیست بود . احزاب چپی که عضو ستاد نبودند در یک هماهنگی مشروط در تظاهراتها و اعتراضها با ستاد قرار داشتند و در بیشتر تظاهراتهای شهر استکهلم این هماهنگی کمابیش وجود داشت .

تشکیل شورا، اهداف و سیاستها

وضعیت ایران و تشدید قطب بندی سیاسی در اپوزیسیون مسئله شکل دادن به یک نهاد پایدار و متکی به اصول و مبانی حداقلی را الزامی میکرد. اولین اقدام ستاد برافراشتن پرچم سرخ در مقابل پرچم قطبهای دیگر بود. پرچم سرخ بعنوان پرچم تاریخی جنبش طبقه کارگر و سوسیالیسم معرفی شد. این بود که آینده متفاوتی را برخلاف آینده اسلامی و ناسیونالیستی جریانها دیگر اپوزیسیون به جامعه ارائه میداد. بسرعت پرچم سرخ، آرم و نشانهای سرخ، و دستبند سرخ به معرفه این قطب و یک وجه تمایز عام آن تبدیل شد. سرنگونی طلبان و مخالفین پایدار جمهوری اسلامی با پرچم سرخ کارگران در مقابل جنبشهای دست راستی بصف شدند. فعالیتشان را متکی بر مجمع عمومی و مشارکت جمعی کردند و در مقابل توهنات ارتجاعی جریانها طرفدار یک جناح رژیم و طرفداران پنتاگون صف متمایزی را شکل دادند.

ستاد بدنبال تظاهراتهای هر روزه و تشدید سرکوب در ایران تظاهراتی را در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در استکهلم فراخوان داد که میزان استقبال وسیع از آن ضرورت یک اقدام فراتر را در اذهان عمومی تاکید میکرد. در اینروز مخالفین عصبانی قتل و کشتار مردم در ایران بدنبال پرووکاسیون سفارتها به لانه جاسوسی رژیم تعرض کردند. درب ورودی را شکستند و به داخل سفارتخانه رفتند. اوباش سفارتی با چماق و کارد و اسلحه به تقابل برخاستند و معترضین از زن ۷۰ ساله تا جوانان ۱۶ ساله در این تقابل آنها را سرچایشان نشانند. این خبر با سرعت و انفجاری در داخل و خارج کشور منتشر شد و بیش از ۱۲۰ خبرنگاری از جمله رسانه های رژیم اسلامی آن را منعکس کردند. در یک کلام استکهلم و صف نیروهای رادیکال و سرنگونی طلب آن الگو و خطوط یک مبارزه واقعی علیه جمهوری اسلامی در خارج کشور را ترسیم کرد.

ستاد در ادامه فعالیتهای خود در مجمع عمومی روز ۶ اوت ۲۰۰۹ نام خود را به "شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران- استکهلم" تغییر داد. این مجمع عمومی همینطور آئین نامه ای را به اتفاق آرا تصویب کرد که در آن اصول شورا، شیوه کار آن، چگونگی عضویت در آن، و ارگانهای تشکیلات شورا ترسیم شده است. شورا نهادی فراجزبی است و این چشم انداز را در مقابل خود قرار داده است که طرف متشکل کهنه ایرانیان آزادیخواه خارج کشور علیه جمهوری اسلامی و اردوی رنگارنگ راستی باشد که تلاش دارند به انجا مختلف خارج کشور را به پایگاه و پشت جبهه جمهوری اسلامی در داخل تبدیل کنند. شورا هدفش ائتلاف سیاسی و اتحاد تشکیلاتی سازمانهای چپ و نیروهای دربرگیرنده آن نیست. شورا ضمن برسمیت شناسی استقلال هر عضو و جریانش در تمام سطوح، و ضمن بدست دادن الگوهائی که عضویت در آن متضمن هیچ نوع محدودیت و مخرج مشترک سیاسی نیست، تلاش میکند به قطبی سرخ و چپ و سکولار و آزادیخواه در مقابل قطبهای راست طرفدار جمهوری اسلامی و سرمایه داری شکل دهد. شورا در جدال سیاسی ایران جانبدار است و در مقابل راه حلهای ارتجاعی اسلامی و سرمایه داری اپوزیسیون راست، خود را متعهد به تقویت مبارزات آزادیخواهانه و سوسیالیستی و آلترناتیو کارگری برای آینده جامعه ایران میداند.

تلاشهای مشابهی در کشورهای دیگر از جمله در کانادا و آلمان و کشورهای دیگر در جریان است. الگوی استکهلم از اینرو تاکنون علیرغم هر کمبودی موفق بوده است که خود را به چهارچوبهای قدیمی که عملاً غیر موثر بودن خود را نشان داده اند متکی نکرده است. این شورا دنبال اتحاد چپ حول حداقلها نیست. این شورا هویت جریانها و افراد تشکیل دهنده اش را قلم نمیگیرد. این شورا دنبال پائین کشیدن پرچمهای حزبی و گروهی نیست. این شورا خود را به جمع کردن جریانها چپ و فعالین چپ محدود نکرده است و تلاش دارد تربیونی و ارگانی برای سازماندهی اعتراض توده ای ایرانیان آزادیخواه در خارج کشور باشد. این شورا به الگویی چپ و اجتماعی فکر میکند نه الگویی ائتلافی از جریانها چپ. تردیدی نیست در کنار همکاری و بحث پیرامون مسائل مبارزاتی، نزدیکی و دوری فکری و سیاسی و سبک کاری نیز ممکن اند. اما این شورا تلاش دارد براساس اصول اعلام شده اش چه در سیاست و چه در شیوه کار بستری وسیع تر ایجاد کند که قادر باشد تمایلات واقعی و آزادیخواهانه مردم ایران و مشخص تر جنبش طبقه کارگر و راه حل سوسیالیستی را تقویت کند. شورا دنبال سیاست "همه با هم" نیست. زیر عنوان "برخورد غیر ایدئولوژیک نکردن" به جریان سبز و شیر و خورشید در ائتلافی اعلام نشده با آنها قرار نمیگیرد. اعضا و جریانها شورا این استقلال را دارند که راسا سیاست متفاوتی از شورا اتخاذ کنند اما خود شورا بعنوان یک نهاد چنین سیاستی ندارد و مسئول هر سیاست جریانها و اعضا در برگیرنده اش نیست.

از نظر عملی شورا ظرفی است که تلاش دارد ابتکارات و خلاقیت‌های مختلف در آن شکوفا شود . یک ستون کار و فعالیت شورا به پروژه ها متکی است. پروژه برخلاف ارگانهای تشکیلاتی شورا و فعالیت‌های روتین آن موردی و کمپینی است . پروژه توسط بخشی از اعضای شورا و کسانی که عضو شورا نیستند اما هدف مشابهی را دنبال میکنند پیش میرود . تنها شرط سیاسی شورا اینست که یک پروژه با چهارچوبهای کلی سیاست‌های شورا در تناقض نباشد . شورا تلاش دارد ظرفی فعال و مبتکر برای نسل جدید باشد که اینروزها در خارج و داخل با حساسیت و فعالانه کار میکند . شورا تلاش میکند در کنار سازماندهی اعتراضات و متینگها و تقویت قطب سرخ ها که امروز با همین نام در شهر معروف است ، مبتکر برگزاری سمینارها ، شب های همبستگی، و فعالیت‌های فرهنگی باشد .

از نظر روش کار شورا به مجمع عمومی اعضایش متکی است . مجمع عمومی بالاترین و عالیترین ارگان تصمیم گیری است . در مجامع عمومی هر سیاست شورا قابل بازبینی و تغییر و اصلاح اند . در مجامع عمومی شورا همه انتخاب شوندگان قابل عزل و انتخاب مجدداند. شورا ظرفی است که همه میتوانند در آن تلاش کنند ، قانع کنند، داوطلبانه سهمی بعهده بگیرند ، در مقابل وظایف شان به جمع متعهد باشند، در کار مورد علاقه شان شرکت کنند ، منشا جذب نیرو و تحکیم و گسترش شورا باشند ، و قطب سرخ و طرفدار آزادی و سوسیالیسم و آلترناتیو کارگری را در ایران تقویت کنند .

هدف مرور کوتاه این تجربه این بود که خوانندگان نشریه با تلاش‌های جریان‌ها و افراد دربرگیرنده این شورا و فراتر تعداد زیادی که همواره در اجتماعات آن شرکت دارند آشنا شوند . ضروری است این تجربه را در همه جا بسط و ارتقا داد . امروز ایجاد یک سنگر محکم و روشن سرنگونی طلب با پرچم سرخ که به آینده سوسیالیستی و قدرت کارگری نظر دا رد، از مهمترین وظایف اردوی چپ جامعه در خارج کشور است. اکثریت ایرانیان خارج کشور تمایلات قوی آزادیخواهانه ، سکولاریستی، ضد تبعیض و مخالفت با جمهوری اسلامی دارند. این اکثریت همیشه فعال نیست اما در ایندوره مشخص در ابعاد توده ای با سیاست "آشتی" کرده است. جریان ارتجاعی سبز و شیر و خورشید و امثالهم تلاش دارند این نیرو را که هر روز با نگرانی و حساسیت اوضاع ایران را دنبال میکند و میخواهد کاری بکند ، زیر پرچمهای قلابی بخت کنند. چپ نباید این مردم را چکی نیروی آنها قلمداد کند . این اشتباه مهلك سیاسی است . اما مادام که آلترناتیو دلچسپ و مدرن و آزادیخواهی وجود ندارد ، مردم معترض جای دیگر میروند . شورا میتواند با اتکا به الگوی سازماندهی توده ای و اجتماعی و روشهای مدرن براین مسئله روز فائق آید و در آن نیروهای پیشرو و سوسیالیست نقش شایسته خود را ایفا کنند .

همه جا شوراهای را برپا کنید! همه جا پرچم سرخ کارگری را برفرازید! همه جا تریون اعتراض به جمهوری اسلامی و پرچمدار آینده آزاد و خوشبخت سوسیالیستی شوید! *